

اتهاماتی زمخت، اما بی اساس.

پاسخی به اطلاعیه ائی از هئیت هماهنگی فعالین طیف کومه له

فرهاد شعبانی

روز سه شنبه 7 اکتبر اطلاعیه ائی با عنوان: در دفاع از آزادی بیان و عقیده (هر نوع تسویه سیاسی و تشکیلاتی محکوم است!) را مطالعه کردم.

پارگراف اول این اطلاعیه چنین فرموله شده است:

"بر طبق اخبار رسیده و بر اساس اطلاعیه خبری فراکسیون فعالیت بنام کومه له که اخیراً منتشر شده است، از جانب رهبری حزب کمونیست ایران (حکا) یک سری اقدامات برای کنار گذاشتن اعضاء و هواداران این فراکسیون و همچنین افرادی که مخالف عملکردهای نادرست رهبری این تشکیلات هستند و طور دیگری می اندیشند، به اجراء گذاشته شده است"

برای من بعنوان شخصی که در متن این رویدادها هستم و با دقتی مسئولانه رویدادهائی را که حتی خودم حضوراً شاهدش نباشم را تعقیب می کنم، مطالعه این پارگراف بی نهایت حیرت انگیز بود. حیرت انگیز از این لحاظ برای تشکلی که خود را در مقابل به اصطلاح نقض آزادی بیان مسنول و ناظر می داند در باره مسائل پیرامونش این چنین اطلاع رسانی و قضاوت بکند.

پارگراف اول و کل این اطلاعیه چند پارگرافی، ملو از ابهام و اتهامات نارواست و از یک متدلوزی اطلاع رسانی امروزی بشدت رنج می برد. برای اثبات این ادعا نکات آمده در اطلاعیه را با هم بررسی می کنیم. در پارگراف اول آمده است:

بر طبق اخبار رسیده و بر اساس اطلاعیه خبری فراکسیون فعالیت بنام کومه له که اخیراً منتشر شده است.

من می پرسم کدام اخبار ، کی ؟ کجا ؟ چگونه ؟ کدام اقدامات؟ برای کنار گذاشتن کدام عضو و هوادار و افراد مخالف ؟ توسط چه کسانی؟ در این پارگراف از هیچکدام از عناصر و فاکتورهای تشکیل دهنده یک خبر اثری نیست.

دوستان ! آیا این را فرض نگرفته اید در دنیائی که دسترسی به اطلاعات مستقل از میدیا و دستگاههای اطلاع رسانی آنچنان آسان و قابل حصول و در گردش اطلاعات انقلابی عظیم و باور نکردنی صورت گرفته ، نمی توان شعور مخاطب را به کرانه های مه آلود ابهام کشاند؟ آیا برای اعتبار اطلاعیه تان هم بود، نمی بایست موردی از این خبر ها و اقدامات مورد ادعا را با پاسخ به کی ، کجا، چگونه مورد اشاره قرار می دادید؟

تا آنجائیکه من شما دوستان و فعالین این نهاد را بشناسم. اکثریت شما در کشورهای اروپائی و به ادعای شماری از خودتان در یکی از متمدنترین جوامع اروپائی که از آن بعنوان مهد دموکراسی غربی هم نام می برید، زندگی می کنید. در کشوری که در زمینه اطلاع رسانی به شهروندانش جزء ده کشور رقیب اول دنیاست، و بسیاری از شما بدون تردید از دستاوردهای این جامعه در این زمینه بهره برده اید. آیا به این فکر نکرده بودید که اطلاع رسانی و قضاوت بر چنین مبنائی لطمه ائی جدی به اعتبار صادرکنندگان چنین اطلاعیه و منبع خبری وارد خواهد آورد؟ لاقلاً برای من که از همان ابتدای صدور اطلاعیه رفقای اقلیت صفوف تشکیلات که متوجه شدم اطلاعیه این رفقا نیز برپایه ذهنیت صادر

شده نه واقعیت، و اطلاعیه شما بطریق اولی، اعتبار چنین اطلاعیه ائی در مقابل علامت سؤال قرار گرفته و آن را با دیده تردید بزرگ نگاه خواهیم کرد.

علاوه بر این خطای بزرگ، شما صادرکنندگان اطلاعیه متدی را در برخورد به ما فعالین صفوف کومه له و حزب کمونیست بکار برده اید که اتفاقاً و علی رغم تمام ادعاهای اومانیستی، بشر دوستانه و دمکرات مابانه تان بسیار ناعادلانه و عاری از حقیقت و بدور از انصاف است.

مکئی کوتاه در واژه هائی که شما دوستان در اطلاعیه بکار برده اید بیانگر تردید ناپذیر این حقیقت است : **محدود ساختن هر نوع اظهار نظر آزاد در درون تشکیلات حکما** بر خلاف ادعای شما طی سالهای گذشته بیشترین انرژی فعالین جریان ما صرف بحث و تبادل نظر پیرامون دیدگاه رفقای مخالف وجود حزب کمونیست ایران شده و بسیاری از شما صادر کنندگان این اطلاعیه ناظر و شاهد و حتی درگیر این مباحثات چه در جمعهای کوچک و چه در تجمعات بزرگتر و سازمانده مباحثات بوده اید. و باز برخلاف تمام ادعاهائی که تلاش می شود به ذهنیت مخاطب القاء شود، این ما بودیم که مصمم و پیگیر خواهان طرح بحث مربوط به دیدگاه رفقای اقلیت درون تشکیلات در کنگره سیزدهم کومه له بودیم. برای تاریخ شهادت می دهم که من، صلاح مازوجی و چند رفیق دیگر از اعضای کمیته مرکزی کومه له و تعدادی دیگر از شرکت کنندگان در کنگره مصرانه خواهان گنجاندن این بحث در دستور جلسات کنگره بودیم و این را تحت فشار هیچکسی طرح نکردیم. ما نه از دیالوگ با این رفقا خسته شده ایم و نه اینکه آنها را از استفاده از ابزارهای تشکیلاتی برای اظهار نظر محروم ساخته ایم.

چرا بی پایه و در روز روشن دیگران را به نکرده متهم می کنید و دست به تحریف حقایق می زنید؟! در کدام حزب سیاسی تاریخ معاصر ایران و کردستان، قبل انشعاب و جدائی این چنین دیدگاهها چه بلحاظ زمانی و امکان شانس دیالوگ و در مقابل هم قرار گرفتن احترام آمیز را داشته اند. نزدیک به یک دهه است که ما درگیر این بحث هستیم. آیا تاریخی نزدیک به یک دهه برای قضاوتی عدالتخواهانه در باره ما کافی نیست؟ اما متأسفانه شما به روشهای دیر آشنا عادت کرده اید و عملکرد خلاف این روشهای دیر آشنا در جریان ما را نمی خواهید ببینید. شاید از سر مصلحت است؟! بررسی مورد به مورد اتهامات شما دوستان از حوصله این مطلب خارج است اما جهت قضاوت خوانندگان اطلاعیه تنها آنها را در کنار هم قرار خواهیم داد و در باره پیامدهای این متدلوزی بطور کلی قضاوتی مختصر خواهیم کرد. شما

مدعی هستید که ما : **آزادی اندیشه و فکر را در نطفه خفه می کنیم. ما تنگ نظر و سراسیمه ایم. ما**

پرنسپهای احزاب آزادیخواه و انسان دوست و سنتها و روشهای جا افتاده در این احزاب در دنیای

معاصر را زیر پا گذاشته ایم. (ای کاش می نوشتید که منظورتان کدام احزاب است تا با هم وارد

دیالوگی مشخص تر می شدیم) و شما همچنین مدعی هستید که ما : لجوجیم، غیر مسئولیم، بد

آموزیم، و کردارهای ناپسند داریم. من حاضر در دیالوگی رودرو با صادر کنندگان این اطلاعیه ثابت کنم که کسانیکه به این آسانی و در حالیکه سالهاست شاهد عملکرد مسئولانه ما نسبت به جامعه، به کومه له و سرنوشت این جریان و دنیای پیرامونمان هستند، چنین اتهاماتی را بارمان می کنند، بدون شک اگر اهرمهای قدرت در جامعه را در

اختیار داشتند. ادعاهای اومانیستی و دمکراسی خواهی شان دود می شد و هوا می رفت و شمشیر تکفیر را آنچنان بر فرق سر تک تک مان فرود می آوردند که پایه های تمدن زمانه برای سرنوشت مان به لرزه در میا مد.

با وجود همه اینها من نه تنها از این کمپین اتهام زنی و موج سواری بر آشفته نیستم، بلکه رفتار حزب کمونیست ایران و کومه له - سوای اشتباهات این یا آن- را نسبت به مخالفین صفوف خود مسئولانه، متواضع و صبورانه ارزیابی می کنم و از آن دفاع می کنم. هر چند که تردید ندارم و مدعی ام رفقای مخالف صفوف ما در باورهای مشترکمان تجدید نظر کرده اند. تجدید نظری که چه در عرصه راه حلهای اقتصادی برای جامعه، نگاه به جنبش های اجتماعی و جایگاه آنها در استراتژی سوسیالیستی قابل روئیت است.

و اما گرچه برماست بیشتر از این هم دیدگاههای رفقایمان را مورد نقد قرار بدهیم اما براین باورم در این شرایط برای کل حزب کمونیست ایران و کومه له در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی هستی و هویت طبقه کارگر و اقشار فردوست جامعه را به وسعت ایران در مقابل انتخاب بود و نبود قرار داده است اولویت باید عرصه های دیگر مبارزه باشد نه صرف انرژی بیش از نیاز به این مباحثات.

بعنوان کلام آخر باید بگویم که متاسفانه با صدور این اطلاعیه و چنین قضاوتی نه تنها در خود را بوته آزمایشی منفی و شکست خورده قرار دادید، بلکه اعتبار ادعاها و ناظر بی طرف بودندتان در این رویدادها برای مخاطبین تان بطرز چشمگیری زیر سؤال رفت.